



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: 2717- 1469

Online ISSN: 2717 - 1477

نمایه در ISC،Magiran،Noormags،SID

GoogleScholar،Ensani

www.jaml.ir

سال سوم، شماره دهم، صفحات ۲۳-۷

تعلیق عدالت کیفر تعزیری بر بنیادهای وقوع جرم

استادیار جامعه المصطفی العالمیه، دانشکده علوم انسانی، قم، ایران.

دکتر توفیق اسداف

چکیده:

عدالت در اجرای کیفر نسبت به مجرم، باید با شرایط جرم و وضعیت مجرم در آن زمان مطابق باشد. و برای تحقق این امر لازم است همزمان با تعیین کردن مجازات برای خیلی از جرمها، در نسبت به عملیاتی کردن آن، همه ی شرایط بزهکار مورد توجه قرار گیرد. چون اسلام به دنبال اجرای بهتر عدالت در همه ی امور است. پس کیفردهی همه مجرمین با صرف استناد به یک قانون کلی، بدون در نظر گرفتن عوامل بیرونی جرم و عوامل روانشناختی فردی و اجتماعی مجرم، به عبارت دیگر بدون ملاحظه کردن شخصیت فردی و اجتماعای مجرم خودش جرم دیگری است. پس به جای این که بگوییم کیفر فلان جرم چیست، باید بگوییم مجرم کیست؟ آگاهی و تحصیلاتش چه مقدار است؟ کجا، در کدام خانه، کدام شهر، کدام کشور تربیت یافته است؟ وضعیت بیولوژی، سیستم عصبی و روانی او هنگام انجام جرم چگونه بوده است؟ و بعد از بررسی همه جوانب جرم و مجرم، آن موقع هر حکمی صادر شود، حکم عادلانه می گردد.

واژگان کلیدی: عدالت، کیفر، جرم، مجرم، تخفیف، عفو.

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



۱- مقدمه

اشاره‌ای داشته باشد. امیدواریم این نگارش مورد بهره‌برداری خواننده قرار گیرد.

○ تعریف کیفر تعزیری

لغت‌شناسان در تعریف تعزیر معانی نزدیک هم گفته‌اند. ابن‌منظور در تعریف تعزیر می‌گوید: «اصل التعزیر التأديب» (ابن‌منظور، ج ۹، ۱۴۱۶: ۱۸۷) و فیومی در مصباح‌المنیر بدون حد بودن آن را نیز ذکر می‌کند: «التعزیر التأديب دون الحد». (فیومی، ج ۲، ۱۴۰۵: ۴۰۷)

و معانی دیگری نیز در تعریف لغوی تعزیر بیان کرده‌اند، همانند؛ زدن کمتر از حد، ضرب شدید، توقیف به جهت بدهکاری، سرزنش. (عمید، ج ۱، ۱۳۷۹: ۵۸۸)

اما دلیل این که منظور ما از کیفر در این بحث کیفر تعزیری است؛ نه حدود و قصاص و دیات، چون دین مقدس اسلام در مورد این سه به نص مجازات خاص تعیین کرده است. ولی در خصوص تعزیرات کیفر خاصی تعیین نکرده است. بدین ترتیب که یکی از اشکال تخفیف مجازات، در صورت وجود جهات تخفیف، تبدیل آن، به مجازاتی است که از هر جهت، مناسب باشد. چنانچه جهات تخفیف، وجود داشته باشند، این امکان وجود دارد که حبس یا شلاق تعزیری را به جزای نقدی تبدیل نمود که در ماده ۳ قانون مجازات اسلامی، به این مطلب اشاره شده است.

اهمیت عدالت در اسلام نیز جای بحثی ندارد. عدالت کیفری، یعنی عدالتی که همه جوانب یک جرم، علتش، شرایطش مورد توجه قرار گیرد. یعنی اجرای قوانین «کلی محور» نباشد، بلکه باید «موردی محور» باشد. اقتضائات یک جرم و شرائط حاکم بر آن به صورت موردی بررسی گردد.

○ عدم اولویت کیفر نزد شارع

در نظام کیفری اسلام نفس مجازات چندان مطلوب نیست، بلکه تنها به عنوان ضرورت بدان توسل جسته می‌شود، حتی با بررسی فقه اسلامی معلوم می‌شود که شریعت اسلامی دنبال مجرم نیست؛ حالا شاید به خاطر حفظ کرامت انسانها، به ویژه در حق الله، یا اینکه خدا دوست ندارد با

نسبت به کلیات بحث ما، برخی از متخصصان در مقالات و کتب خویش اشاراتی داشتند که از جمله شاخص‌ترین پژوهش‌های انجام شده در این خصوص می‌توان به مواردی اشاره کرد. از جمله پژوهش‌های راجع به جایگزین حبس می‌توان به پژوهش «موريس كرادول» (۱۹۵۱) ناظر به تکرار جرم و تعلیق مراقبتی اشاره کرد. در این پژوهش عوامل سن، وضعيت اشتغال، تعداد جرایم ارتكابی، محكوميت‌های سپری شده در کانون اصلاح و تربیت و طول مدت نظارت برای تعلیق مراقبتی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نتیجه تعلیق مراقبتی درنگریسته شدند. در پژوهش دیگری دکتر محمد آشوری در کتاب جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین (۱۳۸۵) چنین گفته‌اند: «اقدام‌های ناظر به جایگزین‌های زندان ممکن است ضمن برآورده کردن هدف‌های عدالت کیفری، هزینه‌های مادی و معنوی اجرای مجازات زندان را کاهش دهند. در این اندیشه، به زندان به مثابه «آخرین حربه» نگریسته می‌شود و تا هنگامی که دیگر شیوه‌های کیفردهی دسترس‌پذیر و سودمند باشند، توسل به زندان ناموجه تلقی شده است. این جایگزین‌ها از نظر تاریخی ابتدا با «جایگزین‌های زندان‌های کوتاه‌مدت» وارد قلمرو نظام کیفری شدند، زیرا مشخص شد که چنین کیفری نه تنها توانایی اندکی در بازسازی‌گری و اصلاح مجرمان دارد، بلکه موجب بروز فساد و فراهم کردن عوامل و زمینه‌های ارتکاب جرم از سوی زندانیان می‌شود. ولی جایگزین‌ها به تدریج توسعه یافتند و در قوانین جزایی کشورهای مختلف وارد شدند. برخی از آنها به شکل جایگزین حبس دست قاضی را باز گذاشتند تا به جای کیفر حبس به آنها توسل جوید و برخی دیگر به شکل مستقل یک نوع مجازات تلقی شده و بر فهرست کیفرها افزوده شدند. پاره‌ای از اقدام‌های کیفری را که از روش‌های تعویق یا انصراف از کیفر حبس محسوب می‌شوند نیز می‌توان از جمله جایگزین‌ها دانست». (به نقل از غلامی، حسین؛ خاکسار، داود، ۱۳۹۸، دوره ۷، شماره ۲۸) البته، در هیچ کتاب و مقاله‌ای ندیدیم که همانند مقاله ما به انواع مختلف عوامل جرم و شیوه‌های مطلوب اجرای جرم



آسانی هتک نشود و کرامت انسانی آنان محفوظ باشد. (منیری و وکیل زاده، ۱۳۹۶، دوره ۱۳، شماره ۴)

همچنین در قانون مجازات اسلامی برای اثبات بعضی از جرائم منافی عفت، به وجود دلایل خاص قانونی منوط شده است. چنانچه آن دلایل قانونی خاص وجود نداشته باشد، عمل منافی عفت ارتكابی قابل اثبات نخواهد بود. وجود این روش سبب می‌شود تا در بسیاری از موارد بزه ارتكابی قابل اثبات نباشد، زیرا تحصیل دلایل مورد نظر قانونگذار یا به سهولت امکان نمی‌یابد یا اساساً امکان‌پذیر نیست. در نتیجه حقوق قربانیان جرم و شکات خصوصی در جرائم منافی عفت تضییع می‌گردد و جامعه نیز در معرض ارتكاب جرائم مهم منكراتی قرار می‌گیرد. (آخوندی، ۱۳۸۲، شماره ۲۲)

مثلاً در حدود برای اثبات زنا چهار تا شاهد عادل شرط است، آن هم با شرایط سختی که در فقه گفته شده است. یا در شرایط معمولی برای اثبات جرمی دو شاهد عادل خواسته شده است. این در حالی است که در دنیا با یک شاهد متهم بازداشت می‌شود یا حکم برایش می‌خوانند، و عدالت شاهد هم شرط نیست. به طور کلی، در در باب حدود، فقه اسلامی شرایط کیفری را به شکلی در نظر گرفته است که اثباتش خیلی سخت می‌باشد.

○ دلیل سوم: اقرار خود شخص و نفی آن از طرف معصوم

در روایات متعدد آمده است که با وجود اقرار خود مجرم به جرمش، ائمه علیهم‌السلام سعی می‌کردند که با گفتار و رفتار خودشان مجرم را به سمتی سوق بدهند که از تکرار اقرار خویش منصرف بشود. مثلاً می‌دانیم که زنا با چهار بار اقرار ثابت می‌شود، هر بار اقرار در حدود به مثابه یک شاهد است، روایت داریم که ابی مریم از امام باقر علیه‌السلام نقل کرده است که: زنی نزد امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمد و گفت: من زنا کرده‌ام. حضرت از آن زن روی برگرداند. زن دوباره برابر امام قرار گرفت و گفت: من زنا کرده‌ام. امام مجدداً از وی روی گردانده ولی او باز رو به روی امام قرار گرفت و من زنا کرده‌ام و تا چهار بار تکرار شد. سپس امام دستور داد تا او را زندانی کنند... (ابن بابویه بی تا)

آشکار شدن قبح گناه از بین نرود. ما برای اثبات این امر به چهار دلیل استناد کردیم:

○ دلیل اول: دستور آیه ۱۲ سوره حجرات

در قرآن کریم می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَكِنْ تَجَسَّسُوا». خدای متعال در این آیه به مومنان این چنین خطاب می‌کند که: ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی و کار مخفی هم) تجسس نکنید.

در تفسیر المیزان می‌خوانیم که مراد از اجتناب ظن در آیه مذکور، خود ظن نیست، چون ظن، خود نوعی ادراک نفسانی است، چون ظن، خود نوعی ادراک نفسانی است، و در دل باز است، ناگهان ظنی در آن وارد می‌شود و آدمی نمی‌تواند برای نفس و دل خود دری بسازد، تا از ورود ظن بد جلوگیری کند؛ پس نهی کردن از خود ظن صحیح نیست. بلکه، مگر آنکه از پاره ای مقدمات اختیاری آن نهی کند. پس منظور آیه مورد بحث نهی از پذیرفتن ظن بد است، می‌خواهد بفرماید: اگر در باره کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر نده. و کلمه تجسس به معنای پی گیری و تفحص از امور مردم است، اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند و تو آنها را پی گیری کنی تا خبردار شوی. پس طبق فرمایش خداوند نباید دنبال عیوب مسلمانان باشیم اموری را که صاحبانش می‌خواهند پوشیده بماند ما آنها را فاش سازیم. (طباطبایی، ۱۳۸، ج ۱۸، ص ۳۲۳)

○ دلیل دوم: سخت بودن شرایط اثبات جرم

دین اسلام در اثبات جرایم، سخت‌گیری کرده و از آن به عنوان راهکاری در جهت حمایت از متهم و جامعه سود برده است. در واقع شریعت به واسطه‌ی این راهکار می‌کوشد تا متقن‌ترین دلایل در عداد دلایل مثبتی جرم قرار گیرد تا بدین طریق از یک سو منکرات و زشتی‌هایی که در جامعه رخ می‌دهد، پوشیده بماند؛ آبروی افراد- که حفظ آن یکی از مقاصد شریعت اسلام است- لکه‌دار نشده و حرمتشان به



○ دلیل چهارم: دفع اجرای کیفر با قواعد فقهی

یکی دیگر از دلایلی که با تمسک به آن می‌توان ادعا نمود که اسلام دنبال مجرم نیست، وجود «قاعده درء» است («ان الحدود تدرا بالشبهات») که از مسلمات فقه کیفری محسوب می‌شود. پیامبر خدا (ص) فرمودند: «إدروا الحدود بالشبهات»؛ حدود را به شبهات دفع کنید. (متقی هندی، ۱۳۴، ج ۵، ص ۲۲۶) در خصوص این مسأله که آیا قاعده‌ی مورد بحث شامل مجازات‌های غیر معین تعزیرات هم می‌شود یا خیر، باید گفت که معنای این لفظ مطلق مجازات الهی است؛ زیرا از آنجا که این لفظ جمع همراه با الف و لام بوده و مفید عموم است، شامل مجازات‌های تعزیری نیز می‌شود و هیچ دلیل خاصی وجود ندارد که عموم این قاعده را تخصیص زده و آن را به مجازات‌های معین (حدود) اختصاص دهد. و در کلمات فقها بسیار اتفاق افتاده که لفظ حد، بر مجازات‌های تعزیری اطلاق شده است؛ مثلاً مرحوم مجلسی در کتاب روضه المتقین فرموده است: «حدود شامل حد، تعزیر و قصاص نیز می‌شود. (دادگستری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۹، شماره ۸)

و از طرف دیگر، وقتی که با ورود شبهه‌ای، کیفر در حد جاری نمی‌شود، به طریق اولی در تعزیرات نباید جاری شود.

○ دلیل پنجم: توبه، عامل سقوط مجازات

یکی از مباحث مهم فقهی-حقوقی که توجه به فلسفه کیفر کاملاً در آن مشهود است، مبحث توبه است که به عنوان یکی از عوامل سقوط مجازات محسوب می‌شود، در حالی که قاعده کلی در قوانین موضوعه دنیوی آن است که ندامت و پشیمانی، مجازات را ساقط نمی‌کند و مطابق قوانین پاره‌ای از کشورها همچون انگلستان و هندوستان، مجرم را حتی به جرم شروع به جرم، مجازات می‌کنند، اگرچه با اختیار از اتمام جرم منصرف گردد. ولی در نظام کیفری اسلام، توبه یکی از علل مهم سقوط مجازات محسوب می‌گردد. خود همین مسأله به خوبی نشان می‌دهد که مجازات در اسلام فی نفسه مطلوب نیست و به خاطر اهداف دیگری از آن استفاده می‌شود.

(قربان نیا، ۱۳۸۰، شماره ۳) از طرفی، با استناد به رحمانیت عمومی خداوند، به ویژه در حق الله، حتی در صورت اثبات گناه نیز، برخی اوقات تخفیف در کیفر و عفو را در پیشه گرفتن نه تنها خلاف اسلامی است، بلکه عین اسلام است که در سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز برای این امر شواهد زیادی داریم.

○ وظیفه حکومت در راستای کاهش جرم

همچنان که مردم در قبال حکومت یکسری وظایفی دارند، حکومت نیز در برابر مردم وظایفی دارد. یکی از آن وظایف، اقدامات حکومتی است که برای پیشگیری از جرم صورت دارد. و دولت اسلامی تا وظایف خویش را در این زمینه به درستی انجام ندهد، نه تنها جرم و گناه زیاد می‌شود، مجرم و گناهکار برای کار قبیح خود نیز توجیه خواهد داشت و اما مهمترین وظایف حکومت برای پیشگیری از جرم را می‌توان در پنج عنوان ذکر کرد:

○ ۱. تربیت عقلانه، و اخلاقی افراد و هدایت جامعه به سوی کمال

حکومت همچنان که موظف است آگاهی‌های مردم را نسبت به حسن اعمال شایسته و قبح جرم و عواقب سوء آن بیشتر و بروزتر کند، همینطور مکلف است فطرت جامعه را نسبت به این امور بیدار کرده و ایمانشان را به خدای متعال و روز آخرت تقویت کند. اگر ساختار یک جامعه مبتنی بر فطرت سالم و ایمان به غیب باشد، نتیجه قهری آنها جامعه مزین به اخلاق و کرامت انسانی خواهد بود.

○ ۲. تامین ابزارها و امکانات کافی برای رشد و تعالی جامعه

وظیفه حکومت فراهم کردن زمینه‌هایی است که انسان بتواند به جایگاه و شایستگی‌هایی که برایش در نظر گرفته شده برسد تا در ارتباط با خود، خدا، دیگران و محیط زیست نقش خود را به درستی ایفاء نماید. در غیراینصورت توقع، شاید حکومت از مردم عاقلانه و عادلانه نباشد. منظور ما از زمینه‌های رشد، تامین ابزار و امکانات مثل مدارس و دوره‌های تربیتی رایگان، برنامه‌های انسانساز تلویزیونی و



رادیویی، چاپ کتب و مجلات تربیتی و قرار دادن آنها به صورت رایگان در اختیار مردم، می‌باشد.

۳. برپا کردن عدالت در جامعه

برپا کردن عدالت، از جمله عدالت اجتماعی، اقتصادی، تحصیلی، بهداشتی، و غیره از وظایف مهم حکومتها است. اگر حکومت فقط بخواهد به شهری رسیدگی کند، ولی به شهر دیگر رسیدگی نکند، یا به بالا شهر برسد، به پایین شهر نرسد، به گروهی بیشتر توجه کند، ولی به گروه دیگر بی محلی کند، این امر سبب عقده‌انمایی می‌شود که در حقشان بی عدالتی رخ می‌دهد.

مردم تحمل بی عدالتی را ندارند، حتی در واقع امر بی عدالتی نباشد، مثال قرآنی این مسئله، برادران حضرت یوسف است که چون به زعم خودشان از طرف پدر در حقشان بی لطفی شد، دست به جنایت زدند و برادر خویش را به چاه انداختند. آیه شریفه سخن آنها را این گونه نقل می‌کند: «إِذْ قَالُوا لْيُؤَسِّفْ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ غَصَبٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ». (یوسف، آیه ۸)

«هنگامی که برادران یوسف گفتند ما با آنکه چندین برادر نیرومندیم پدر چنان دل‌بسته یوسف و برادر اوست که آنها را تنها بیش از همه ما برادران دوست می‌دارد، همانا ضلالت پدرمان (در حب یوسف) نیک پدیدار است».

۴. حمایت از مستضعفین

برخی اوقات حکومت با وجود این که تمام تلاش خود را برای رشد یکایک جامعه انجام می‌دهد، و همه ابزار پیشرفت را فراهم می‌کند، ولی بازهم عده‌ای به دلیل ضعفهایی که دارند، مثل مریضی حاد، ضعف جسمی و فکری، نمی‌توانند روی پای خود بایستند.

در این حال، دولت باید دست آنها را بگیرد و حامی مادی و معنوی آنها باشد. چنانکه در عهدنامه مالک اشتر، نسبت به این امر که وظیفه حاکم در برابر رعیت چیست، می‌خوانیم: «الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَالْمَسْكَنَةِ الَّذِينَ يَحِقُّ رَفْدُهُمْ وَمَعُونَتُهُمْ».

طبقه پایین جامعه که نیازمند و تهی دست تشکیل می‌شود، کسانی که کمک و بخشش به آنها لازم است.

۵. فراهم سازی شرایط برای رفع نیازهای مردم

دولت موظف است شرایطی را به وجود آورد که همه افراد و اقشار جامعه، کودک، جوان و پیر، سرمایه دار و بی سرمایه و غیره بتواند نیازهای خود را برآورده کند. منظور ما از نیازها، اعم از نیاز مادی و معنوی، سلامتی، جنسی، نیاز روانی، نیاز تفریحی-ورزشی، و نیاز به شکوفایی می‌باشد.

۶. بحث کیفر

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که اگر دولت جهت کاهش جرم به تمام وظایف خویش عمل کند، ولی بازهم جرم در جامعه باشد، دولت نسبت به کیفردهی آنها چگونه تصمیم بگیرد؟

در جواب باید گفت درست است که در ابتدای امر، حاکمیت کیفرمحوری نه مطابق رفت اسلامی است، و نه متناسب با شان و کرامت انسانی است. حتی ما می‌بینیم با وجود کیفرهای سنگین، آمار جرائم که کمتر نشده، حتی بنابر آمار اعلام شده، سن ارتکاب جرم کاهش یافته است. شاید خود همین امر نشان می‌دهد که دیدگاه عدالت کیفرمحوری در حفظ جامعه دیدگاه نتیجه بخش نیست. ولی با همه این ملاحظات، در مواردی تعیین کیفر و اجرای آن فواید قابل توجهی دارد، همانند ملتفت بودن هر کس نسبت به مسئولیت اعمالش، پیشگیری از جرم، تادیب مجرم، عبرت گیری دیگران، حفظ امنیت جامعه و جلوگیری از هرج مرج و غیره... ولی آنچه که باید در این بحث مورد توجه قرار گیرد این است که اجرای کیفر در اسلام فی نفسه هدف نیست.

مخصوصاً نباید فراموش کرد که قانون عدالت کیفری که مدعی سزادهی مجرمان است، بعضاً خودش با بی‌عدالتی روبه رو می‌شود. زیرا توجه اش بیشتر به اجرای کیفر است، نه عوامل شرایط فردی و اجتماعی جرم و مجرم. و فطرت آدمی، اجرای عدالت همه جانبه را می‌طلبد.



پس وقتی که فقر آدمی را تا لب مرز کفر می برد، انسانی که فقیر است، امکان دارد نسبت به انجام بزه و جرم مالی متمایل شود.

۲. فشار جنسی؛

یکی از مسائلی که آدمی را می تواند به گناه سوق دهد، فشار جنسی است، مخصوصاً اگر همراه با ویژگی های باشد. مثلاً هر دو طرف جوان مجرد باشند، یا متاهلی که مدت هایی است که به خاطر مشکل همسرش با آن هم خواب نبوده است، هر دو جای خلوت بوده اند.

جا دارد بگوییم که آسان کردن ازدواجها، وام ازدواج دادن به حدی قابل توجه، قانون تعیین سقف مهریه به شکل منطقی، نه متعارف که ۱۱۰ سکه آزادی است، وظیفه عمده دولت است. کدام جوان معمولی می تواند این مقدار مهریه (۱۱۰ سکه آزادی) را پرداخت کند؟ و می دانیم که در صورت مطالبه و عدم پرداخت پیگرد قانونی و کیفری دارد.

۳. عدم آگاهی نسبت به قبح گناه؛

برخی آدمها به خاطر دوری از شهر، یا به دلیل محیطی که در آن قرار دارد، نمی توانند قبح گناه را درک کنند، مثل فرزند معتاد که به اعتیاد تمایل پیدا می کند، این شخص قبل از همه چیز نیاز به تربیت دارد. تربیت هم ممکن است غیر از کیفر باشد.

۴. مشکل بیولوژی؛

مثل بانوان در حال حیض که به عبارت قرآن کریم اذیتی است برای آنها. چنانکه در آیه ۲۲۲ سوره بقره می خوانیم: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ».

و یا سندروم پیش از قاعدگی که در اصطلاح علمی به آن (پی ام اس) می گویند، از جمله بیماری های روانی است که در اثر مشکل به وجود آمده در بیولوژی بدنی زن می تواند بر حالات رفتاری او تأثیر منفی بگذارد که نتیجه آن مختل شدن عناصر سازنده جرم است.

البته، در حق الناس باید تمام جوانب حقوق ستم دیدگان، بادقت مورد توجه قرار گیرد، ولی در این بخش نیز، اگر حقوق از بین رفته قابل جبران است، باید در مرحله اول جبران ضرر از طرف مجرم مورد توجه قرار گیرد.

حتی اگر مجرم امکان مالی نداشته باشد، دولت آن را پرداخت کند، و سپس به صورت قسطی یا محوله کاری (مانند تمیز کردن پارکها) به بزهکار آن را جبران کند. در این حال، هم ستمدیده به حقش می رسد، هم مجرم از عواقب سوی کیفر نجات می یابد.

ولی اگر جنس گناه مالی نباشد، مثلاً به کسی توهین کرده، در این صورت قاضی آسیب دیده را تشویق به عفو کند، حتی خودش نیز با یکسری تشویقات دولتی مشوق او باشد. مثلاً از طرف دولت یک هفته به ستمدیده مرخصی دهد و یک هفته از مرخصی بزهکار کم کند. و کیفر بدنی بزهکار (همانند حبس) آخرین چیزی است که به ناچار باید به سراغ آن رفت.

عوامل جرم

عامل جرم و خطا دو گونه می تواند باشد: ۱. عاملی که توجیه معقولی ندارد و نباید به آن توجه کرد، مثل اختلاسهای بزرگ، یا تجاوز جنسی. ۲. عاملی که توجیه دارد و حکم و قضاوت کردن بدون توجه به آن عامل، عادلانه نمی شود.

اما مهمترین عوامل قابل توجه در انجام جرم که اگر قاضی در اجرای حکم آنها را در نظر گیرد، به عدالت مطلوب نزدیکتر است، عبارتند از:

۱. فشار اقتصادی؛

در حدیث نبوی می فرماید: «كاد الفقر ان يكون كفراً»؛ فقر نزدیک است که آدمی را به کفر بکشاند. (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۰۷) فقر و دست تنگی آنقدر خطرناک است که می تواند انسان را به کفر بکشاند زیرا فقیر و تنگ دست وقتی حال زار خود و خانواده اش را می بیند به شدت متأثر می شود و صبر و بردباری را از کف می دهد و چه بسا دست به دزدی و خیانت بزند و به ستمگران بپیوندد.



۶. اختلالات روانی؛

کجا، در کدام خانه، کدام شهر، کدام کشور تربیت یافته

است؟

وضعیت بیولوژی و سیستم عصبی آن هنگام انجام جرم چگونه بوده است؟ البته این ادعای ما به آن معنا نیست که نسبت به هیچ جرمی هیچ قانون کلی (تعیین مجازات خاص) نداشته باشیم.

نه، مدعای ما این است که ذیل همان قانون کلی: باید تمام شرایطی که مجرم را به سمت همان جرم سوق داده است مورد بررسی قرار گیرد. شاید هر کسی در آن شرایط قرار می گرفت، به آسانی مبتلای همان جرم می شد.

یعنی از آن شرایط خاص انتظار عدم جرم نداشتیم. پس اگر کیفری بدون در نظر گرفتن عوامل جرم و وضعیت بزهکار خودش بی عدالتی و نسبت به برقراری عدالت نقض قرض محسوب می شود.

شیوه های مجازات در تعزیر

۱. مطابق کرامت انسانی باشد.

اگر مجازات مجرم مطابق کرامت انسانی نباشد، خود کیفر ظلم به بزهکار محسوب می شود. مثلاً کیفر در ملاء عام بدون دلیل شرعی و یا کیفرهایی که از نظر عرفی چندش آور است، خلاف کرامت انسان محسوب می شود.

۲. کیفر مطابق زمان و مکان باشد.

هر کیفری اگر مناسب زمان و مکان مجرم اجرا شود، عادلانه به نظر می آید. شاید الان درست نباشد ما بیایم کسی را به دلیل جرمش شلاق بزنیم. البته بحث ما شامل حدود الهی نمی شود. چون کیفر در حدود حکمتی دارد که خارج از بحث تعزیری است.

۳. کیفر مطابق وضعیت بزهکار باشد.

مجازات باید مطابق وضعیت سنی، جسمی، جنسی، روانی و دیگر حالات مجرم باشد. مثلاً اگر بزهکار از نظر جسمی این قدر ضعیف باشد که در اثر کیفر با خطر جانی

برخی از اختلالات روانی می تواند انسان را بر انجام بزه سوق دهد. همانند اختلالات دوقطبی، اختلالات هورمونی جنسی، افسردگی شدید و غیره.

مثلاً در افسردگی شدید که مریض قرص می خورد سه هفته اول در حالت عادی نیست، حتی از شدت فشار عصبی به خودکشی متمایل می شود. در قانون مجازات اسلامی به تبع برخی از فقها، قتل در حال مستی را با دو شرط مستوجب قصاص نمی داند: اول اینکه مست، به کلی مسلوب الاراده شده باشد و دوم اینکه، خود را برای ارتکاب قتل مست نکرده باشد. (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۷، شماره ۴۸)

اضطراب بر اثر شوک خبری؛ هر فردی به خاطر شوکی که به آن وارد می شود، احتمال خطا کردنش چند مرتبه زیاد می گردد. مثلاً یک دفعه به مادری زنگ بزنند و بگویند که همین الان بچه ات به خاطر تصادف در رانندگی به کما رفت، در این حالت سرعت بیش از حد در رانندگی به سمت بیمارستان و یا بدون گواهی نامه رانندگی کردن همین مادر مصدوم، خارج از انتظار نیست.

۸. سن بزهکار؛

سن مجرم باید هنگام قضاوت مورد توجه قرار گیرد. مثلاً دختر ۱۳ ساله و پسر ۱۵ ساله، اگر عمل مشابه زنا انجام دهند و یا دزدی کنند، سنشان در کیفردهی لحاظ گردد.

کیفر بزهکاران با استناد به یک قانون کلی

کیفردهی همه مجرمین با استناد به یک قانون کلی، بدون در نظر گرفتن عوامل بیرونی جرم و عوامل روانشناختی فردی و اجتماعی همان مجرم، به عبارت دیگر بدون ملاحظه کردن شخصیت فردی و اجتماعی مجرم خودش جرم دیگری است.

پس شاید نتوان گفت که کیفر فلان جرم چیست؟

باید بگوییم مجرم کیست؟ آگاهی و تحصیلاتش چه مقدار است؟



○ ۲. توجه به وضعیت بستگان

به نظر می رسد هنگام کیفر تا حد امکان باید بستگان مجرم نیز مورد توجه قرار بگیرند، تا حقوق آنها پایمال نشود. بنابراین، فواید و ضررهای کیفر نسبت به خطای رخ داده، مورد توجه قاضی قرار گیرد. قاضی قبل از خواندن حکم وضعیت اجتماعی، اقتصادی و عاطفی بستگان مجرم را مد نظر قرار دهد. این که سرپرست خانه را چند سال به زندان می فرستد، وضعیت تربیت بچه ها، مشکل جنسی همسر چه می شود و مشکلات از این قبیل که برای بستگان خواهد آمد، چه می شود؟

○ ۳. توجه به تشفی خاطر آسیب دیده

درست است که ما در این مقاله بیشتر به عنوان وکیل بزهکار بحث کردیم، ولی شکی نیست که آنچه بر اثر جرم مجرم آسیب دیده و حقی ضایع شده است، باید رضایت او به هر شکل ممکن جلب شود. و اگر کیفر قانونی مجرم برای التیام او لازم است، نباید از این کار پرهیز کرد.

○ نتیجه گیری:

آنچه مورد توجه شارع مقدس است، اجرای عدالت در همه موارد، از جمله در کیفردهی است. ولی با این حال اولویت شارع بعد از رخ دادن خطا، در حد امکان تخفیف در مجازات و عفو مجرم است.

تخفیف و یا چشم پوشی در مواردی که به حق الله تجاوز شده است، با استناد به رحمت الهی و رافت اسلامی سازگاری بیشتری دارد، ولی در حق الناس قاضی فقط می تواند رضایت آسیب دیده را برای گذشت بزهکار به اشکال مختلف جلب نماید.

در همه موارد عواملی که در عمل بزه نقش محرک داشته است، مورد توجه قاضی قرار گیرد. و بعد از اثبات جرم و تصویب مجازات برای مجرم، قاضی نسبت به شیوه کیفر حساسیت های لازم را به خرج دهد، تا در حق مجرم و آسیب دیده ظلم نشود.

مواجه شود، این امر در حق او مجازات بیش از حد محسوب می شود و این نوع جزا عادلانه نیست.

○ ۴. مطابق شأن اجتماعی بزهکار باشد.

در کیفردهی باید شأن اجتماعی بزهکار مد نظر باشد و اگر نه این نوع مجازات در حق مجرم ظلم محسوب می شود. به این معنا که در اجرای تعزیر کیفری باید شخصیت فردی و اجتماعی مجرم را لحاظ کرد. مثلاً مجرمی که دارای شخصیت علمی است و به خوب بودن شهرت یافته است، یعنی در اجتماع از احترام خاص برخوردار است، نباید به استدلال تساوی در اجرای قانون کلی، کیفری را که نسبت به یک خطاکار دائمی اجرا می شود، نسبت به آن شخصیت مورد وثاق مردم نیز اجرا کرد. زیرا این امر تساوی نیست، تشابه است.

حتی اگر لازم باشد نسبت به شخصیت های مثبت چشم پوشی کرد، یا به خاطر سوابق خوبش یک کیفر متناسب به شانش در نظر گرفت، یا در اجرای همان کیفر برایش ارفاقی در نظر گرفته شود.

بدیهی است هنگام تراحم بین مصلحت جامعه و شأن اجتماعی فرد، مصلحت جامعه مقدم است. پیشنهاد می شود در همه احوال، اگر ضرورتی برای تنبیه بدنی و توبیخ علنی نباشد، به جای آنها جزای نقدی، قسطی و یا کاری ترجیح داده شود.

○ رفتار حکمت آمیز در کیفردهی

در اجرای کیفر مسائل زیادی است که باید مورد توجه قاضی قرار گیرد، تا در حق هیچ کسی اجحاف نشود. ما در این جا به سه مساله مهم اشاره می کنیم:

○ ۱. توجه به ارزشمند بودن هر فرد

حکومت عادل حکومتی است که فقط در فکر حفظ نظم جامعه قدم برندارد، باید در فکر یکایک شخصیت حقیقی و حقوقی افراد نیز باشد. به عبارت قرآنی کشتن یک نفر بدون حق کشتن همه انسانها است. شکی نیست که جزای بیش از اندازه، مجازات بدون حق محسوب می شود.



- ابن منظور، محمد، (۱۴۱۶ هـ.ق/ ۱۹۹۶ م)، *لسان العرب*، بیروت، موسسه دار احیاء التراث العربی
- حاجی ده آبادی، احمد، ۱۳۸۷، *فصلنامه تحلیل حقوقی*، قتل در حالت مستی، جرم در حالت مستی، شماره ۴۸
- دادگستری جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۹) *فصلنامه حق (مطالعات حقوقی و قضایی)*، شماره ۸
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۸) *المیزان فی تفسیر القرآن*، مرکز نشر فرهنگی رجاء، بنیاد علمی فکری، چاپ پنجم
- غلامی، حسین؛ خاکسار، داوود، ۱۳۹۸، *عوامل موثر بر صدور مجازاتهای جایگزین حبس*، دوره ۷، شماره ۲۸
- فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۰۵ هـ.ق) *مصباح المنیر*، قم، موسسه دارالهجره
- قربان نیا، ناصر، (۱۳۸۰)، *فلسفه مجازاتها در فقه کیفری اسلام*، رواق اندیشه، شماره ۳
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳) *کافی*، بیروت، دار الأضواء
- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، (۱۳۷۴) *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، موسسه فرهنگی دار الحديث
- منیری، ثریا؛ وکیل زاده، رحیم، ۱۳۹۶، *فصل نامه پژوهشی فقه و حقوق اسلامی*، تحلیلی پیرامون سخت گیری اثبات جرایم در فقه امامیه، دوره ۱۳، شماره ۴۷.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت
حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر
سپاسگزاری می شود.

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر
بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری
تشکر و قدردانی می شود.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای
ساختاری و علمی سپاسگزاری می شود.
نگارندگان بر خود لازم می دانند از آقای
دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه
متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند
سپاسگزاری نمایند.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آخوندی، محمود، ۱۳۸۲، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، اثبات جرایم منافی عفت از نگاهی دیگر، شماره ۲۲
- ابن بابویه (صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی، (بی تا) *من لا یحضره الفقیه*، جماعه المدرسین، قم، چاپ دوم



Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
Second Year, Issue 10, Pages 7-23

The suspension of Ta'ziri punishment based on the basis of the crime

Dr. T.Asadov

Director of Islamic Studies, Al-Mustafa Virtual University

Abstract

Justice in the execution of punishment towards the criminal must be in accordance with the circumstances of the crime and the state of the criminal at that time. And in order to achieve this, it is necessary to take into account all the conditions of the criminal while determining the punishment for many crimes. Because Islam seeks better implementation of justice in all matters. Therefore, punishing all criminals by simply referring to a general law, without considering the external factors of the crime and the individual and social psychological factors of the criminal, in other words, without considering the individual and social personality of the criminal himself, is another crime. So instead of saying what is the punishment for a certain crime, we should say who is the culprit? What is his knowledge and education? Where, in which house, which city, which country was he raised? What was the state of his biology, nervous and mental system when he committed the crime? And after examining all aspects of the crime and the criminal, then any verdict is issued, the verdict will be fair.

Keywords: justice, punishment, crime, criminal, mitigation, amnesty.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Corresponding author: tofiq.asadov@inbox.ru